

واکاوی جایگاه مفهوم شرط در اندیشه اخباریان

سیدمحسن آریز، استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه حکیم سبزواری

۰۹۱۵۸۲۸۷۰۶۱ sm.aziz16378@gmail.com

موسی حکیمی صدر، استادیار فقه و مبانی حقوق دانشکده الهیات دانشگاه حکیم سبزواری (نویسنده مسئول)

۰۹۱۵۱۷۳۴۴۹۴ m.zarghi@hsu.ac.ir

تاریخ وصول: ۱۴۰۰/۴/۲۰ تاریخ تصویب: ۱۴۰۰/۹/۱۴

چکیده

اخباریگری به عنوان یک سازوکار استنباطی در قرن یازده در میان فقهای امامیه گسترش یافت و تا چهارده نیز ادامه داشت. آراء نسبت داده شده به این گروه از فقها خصوصاً در مباحث اصول فقهی در بسیاری از موارد متفاوت با دیدگاه اصولیان است. از جمله دیدگاه‌های منصوب به اخباریان عدم حجیت اصل اباحه، عدم حجیت ظواهر قرآنی بدون قول معصومین، عدم حجیت قیاس منصوص العله، عدم حجیت مفاهیم، مخالفت با اصول فقه و ... است. البته این نسبتها عمدتاً اثبات نشده و در حد ادعاست ولی در کتب متعددی نقل شده‌اند. آنچه مهم به نظر می‌رسد شفاف سازی دیدگاه اخباریان در این زمینه‌هاست تا بتوان حقیقی یا ادعایی بودن این تفاوت‌ها را آشکار کرد و از رهگذر ادعایی بودن این تفاوت‌ها مرزبندی اخباری و اصولی را کمرنگ نمود و یا حتی از بین برد. البته رسیدن به نظر اخباریان در هریک از زمینه‌های اختلافی مورد ادعا نیاز به پژوهش مستقلی دارد. سوالی که پژوهش حاضر در پی پاسخ آن است، اینکه اخباریان در مورد حجیت مفهوم شرط چه دیدگاهی دارند؟ در راستای پاسخ به این سؤال سعی شده حتی الامکان از کتب فقهی و مباحث اصول فقهی موجود در

کتاب خود اخباریان استفاده شود و به ادعاهای مطرح شده در کتب دیگر فقها در مورد این گروه توجهی نشده است. با توجه به چاپ نشدن بسیاری از آثار اخباریان به ناچار به آثار خطی این فقها رجوع شده است. به عنوان نتیجه این پژوهش می‌توان بیان کرد برخلاف تصور اولیه‌ای که در مورد اخباریان وجود دارد و آنان را ضد اصول فقه می‌داند ولی این گروه نیز مانند اصولیان وارد در بحث‌های اصولی شده‌اند و با استدلال به پذیرش یا رد یک گزاره اصولی پرداخته‌اند. در زمینه مفهوم شرط اخباریان را می‌توان به دودسته تقسیم نمود، گروهی که مفهوم شرط را حجت نمی‌دانند و برای اثبات ادعای خود به آیات و روایات استناد کرده‌اند و گروهی که مفهوم شرط را حجت می‌دانند و برای اثبات ادعای خود به روایات معصومین استناد کرده‌اند.

کلید واژه‌ها: اخباریان، مفهوم شرط، تفاوت اخباریان و اصولیان.

مقدمه

یکی از مهم‌ترین گروه‌بندی‌هایی موجود در فقه امامیه، تقسیم فقها به اخباری و اصولی یا مجتهد است. آنچه مسلم است، اینکه به این دو گروه اختلاف نظرهایی نسبت داده شده است؛ از جمله: ۱. حجیت اصل اباحه: مجتهدان در اموری که حرمتشان مشکوک است به استناد اصل اباحه قائل به اباحه‌اند ولی اخباریان به استناد اصل حرمت، اعتقاد به حرمت موضوع مشکوک دارند (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۶، ۹ و ۱۰؛ ماحوزی، بی تا، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۴/۱۳۷۷/۳۹۶؛ دزفولی، بی تا، ۶). ۲. حجیت ظواهر آیات قرآن که روایتی مربوط به آن نباشد: اصولیان قائل به حجیت ظواهر قرآن هستند اگرچه روایتی مربوط به آن ظاهر در دست نباشد، ولی اخباریان اینگونه آیات را حجت نمی‌دانند. (عاملی، ۴۴۸، ۱۴۰۳؛ جزائری، ۴۳، ۱۴۰۳؛ سماهیجی، ۴/۱۳۷۷/۳۸۹؛ زند، بی تا، ۲۶؛ قیصری، ۷/۱۳۶۷/۱۶۲؛ دایرة المعارف تشیع، ۲/۱۳۷۵/۱۰؛ حسینی، ۱/۱۳۷۶/۶۲۴). ۳. حجیت قیاس

منصوص العله: اصولیان قائل به حجیت قیاس منصوص العله اند ولی اخباریان آن را حجت نمی دانند. (عاملی، ۱۴۰۳، ۴۴۸؛ جزائری، ۱۴۰۳، ۴۵؛ زند، بی تا، ۲۶؛ دزفولی، بی تا، ۲۵؛ قیصری، ۱۳۶۷، ۷/۱۶۲). ۴. حجیت اجماع: اصولیان قائل به حجیت اجماع اند ولی اخباریان آن را حجت نمی دانند. (عاملی، ۱۴۰۳، ۴۴۸؛ جزائری، ۱۴۰۳، ۴۳؛ ماحوزی، بی تا، ۳۷۵؛ سماهیجی، ۱۳۷۷، ۴/۳۹۶؛ زند، بی تا، ۲۶).^۱ برخی پا را از این فراتر نهاده و به طور کلی استفاده از قواعد اصولی را از نگاه اخباریان ممنوع بر شمرده اند. (سماهیجی، ۱۳۷۷، ۴/۳۹۷) این موارد و موارد متعدد دیگری که از تفاوت های ادعایی بین اخباریان و اصولیان هستند نیاز به بررسی موشکافانه دارند تا صحت یا سقم این ادعاها آشکار گردد.

تیین مسئله

یکی از تفاوت های ادعایی بین اخباریان و اصولیان این است که اصولیان به حجیت مفاهیم از جمله مفهوم شرط قائل اند ولی اخباریان مفاهیم را حجت نمی دانند. (عاملی، ۱۴۰۳، ق، ۴۴۸؛ جزائری، ۱۴۰۱، ق، ۴۳؛ زند، بی تا، ۲۶)

سوالی که به طور خاص این پژوهش در صدد پاسخگویی به آن است، اینکه: فقهای اخباری در قبال مفهوم داشتن جمله شرطیه چه موضعی اتخاذ کرده اند؟ هدف از پاسخگویی به این سوال کشف دیدگاه و ادله فقهای اخباری و همچنین صحت آزمایی این تفاوت ادعایی بین اخباریان و اصولیان است.

پیشینه و نوآوری پژوهش

^۱ در مقاله بازکوی ملاک تقسیم فقها به اخباریان و اصولیان که توسط نگارنده و با همکاری دکتر حسین صابری نگارش یافته و در مجله «فقه و اصول» شماره ۹۸ در پاییز ۱۳۹۳ به چاپ رسیده به بیان بیش از صد فرق بین اخباریان و اصولیان پرداخته شده است.

پیش از این بسیاری از اندیشمندان به فقهای اخباری قول به عدم حجیت مفهوم شرط را نسبت داده اند اما در هیچ موردی به طور منسجم و عمیق به دیدگاه این گروه از فقها در مورد مفهوم شرط پرداخته نشده است. نقطه ضعفی که در آثار مرتبط به دیدگاه‌های اخباریان در زمینه مباحث اصولی وجود دارد اینکه منابع این آثار عمدتاً نوشته اخباریان نیستند بلکه سعی شده دیدگاه اخباریان از لابلای آثار اصولیان و نسبت‌های داده شده به این گروه استخراج شود. این ضعف ناشی از چاپ نشدن بسیاری از آثار اخباریان است. اکثر آثار اخباریان در قالب نسخ خطی و به سختی قابل دسترسی هستند. در صورت دسترسی به این کتب نیز استفاده از آنها متضمن زحمت و صرف وقت زیاد است. در این پژوهش حتی الامکان سعی شده این نقیصه برطرف شود و دیدگاه اخباریان در زمینه مفهوم شرط صرفاً از آثار فقهای اخباری، اگرچه آثار خطی آنان استخراج گردد و مورد تحلیل قرار گیرد. باتوجه به اینکه دیدگاه اصولیان در زمینه مفهوم شرط در بسیاری از کتب اصول فقهی به طور گسترده ذکر شده و اختلاف دیدگاه اصولیان و ادله هرگروه مورد بررسی قرار گرفته است در این نوشتار صرفاً دیدگاه‌ها و ادله اخباریان مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

تعریف برخی اصطلاحات

باتوجه به گروه مخاطب این نوشتار، صرفاً به تعریف سه اصطلاح مفهوم مخالف، مفهوم شرط و اخباریان مختصراً پرداخته شده است.

مفهوم مخالف: مفهوم مخالف، مفهومی است که در آن حکم موضوع مسکوت، مخالف با سنخ موضوع ذکر شده در کلام است (حسینی، ۲۰۰۷ م، ۲۷۶؛ عثمان، ۱۴۲۳ ق، ۲۷۷؛ حسینی، ۱۴۱۵ ق، ۱۵۳؛ هیشم، ۱۴۲۴ ق،

۳۱۴). مفهوم مخالف دارای اقسامی است و برخی از اخباریان آن را تا ده قسم برشمرده‌اند^۲ که یکی از این موارد مفهوم شرط است

مفهوم شرط: مفهوم شرط، مفهوم کلامی است که حکم در آن معلق به شرط شده است که برخی مفهوم آن را انتفاء حکم مشروط در صورت انتفاء شرط دانسته‌اند (حسینی، ۲۰۰۷ م، ۲۷۳؛ عثمان، ۱۴۲۳ ق، ۲۷۹؛ حسینی، ۱۴۱۵ ق، ۱۵۱؛ هلال، ۱۴۲۴ ق، ۳۱۲).

اخباریان: فرقه‌ای از علمای شیعه که عمدتاً اخبار اهل بیت را مأخذ عقاید و احکام دانسته و دیگر مدارک را در صورتی که مورد تأیید احادیث باشد معتبر می‌دانند (دایرة المعارف تشیع، ۱۳۷۵، ۷/۲؛ قیصری، ۱۳۶۷، ۷/۱۶۰؛ بهشتی، ۱۳۹۰، ۳۱).^۳

تحریر محل نزاع در نگاه اخباریان

برخی از اخباریان در تبیین محل نزاع آورده‌اند: شرط دو نوع است

^۲. شیخ حسین کرکی، مفهوم مخالف را بر ده نوع می‌داند: ۱. مفهوم شرط ۲. مفهوم صفت ۳. مفهوم غایت ۴. مفهوم لقب ۵. مفهوم حصر ۶. مفهوم عدد ۷. مفهوم انما ۸. مفهوم تخصیصه وصفی که گاه هست و گاه از بین می‌رود ۹. مفهوم مشتق ۱۰. مفهوم استثناء (کرکی، ۱۹۷۷ م، ۲۹۵-۲۹۷). علامه مجلسی مفهوم مخالف را به ۷ دسته تقسیم می‌کند: ۱. مفهوم شرط ۲. مفهوم صفت ۳. مفهوم غایت ۴. مفهوم عدد ۵. مفهوم استثناء ۶. مفهوم حصر ۷. مفهوم انما (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۱/۱۸-۱۹). صاحب حدائق نیز مفهوم مخالف را با اندکی تفاوت نسبت به علامه مجلسی بر ۷ نوع می‌داند: ۱. مفهوم شرط ۲. مفهوم غایت ۳. مفهوم صفت ۴. مفهوم حصر ۵. مفهوم عدد ۶. مفهوم زمان ۷. مفهوم مکان (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱/۵۷). برخی از این مفاهیم در کتب اخباریان فقط در حد نام از آن‌ها یاد شده است؛ لذا در بحث‌های آتی، مورد بررسی قرار خواهند گرفت؛ اما سایر مفاهیم که به نوعی در کتب اخباریان مورد بحث واقع شده‌اند مورد بررسی عمیق‌تر قرار خواهند گرفت.

^۳. در زمینه تعریف دقیق اخباری و معرفی فقهای اخباری، مقاله‌ای تحت عنوان «اخباری کیست؟» در مجله «فقه و اصول» شماره ۱۰۴ در بهار ۱۳۹۵ از نگارنده به چاپ رسیده است. هریک از شخصیت‌هایی که در این مقاله به عنوان اخباری معرفی شده‌اند در مقاله پیش گفته ادله دال بر اخباری بودنشان ارائه شده است.

۱. شرط عقلی که مشروط با انتفاء شرط متنفی می‌شود، این شرط، شرط تحقق است.

۲. شرط شرعی که ممکن است مشروط با انتفاء شرط همچنان باقی باشد؛ زیرا شرط، شرط صحت عمل

است نه شرط تحقق آن؛ که محل نزاع اینجاست. (اخباری، بی تا، معاول العقول، ۲۶۹ ب) ^۴

از حیث تحریر محل نزاع تفاوتی بین اخباریان و اصولیان دیده نمی‌شود. اصولیان از شرط عقلی تحت عنوان شرط محققه الموضوع یاد کرده‌اند. (نائینی، ۱۳۵۲، ۴۱۸/۱؛ سبزواری، بی تا، ۱۰۹/۱؛ صدر، ۱۴۱۸ ق، ۲۵۱/۱) البته برخی از اصولیان نکات دیگری نیز در زمینه تحریر محل نزاع بیان کرده‌اند که اخباریان وارد آن نشده‌اند.

دیدگاه‌های موجود در مسئله مفهوم شرط از نگاه اخباریان

برخی از اخباریان قبل از ورود به بحث، اقوال موجود در این زمینه را ذکر کرده‌اند:

أ: برخی از جمله ابو عبد الله بصری، قائل به معدوم نشدن امر در صورت فقدان شرط هستند، برخی از

فقه‌های امامیه مانند سید مرتضی نیز بر این عقیده‌اند.

ب: برخی از جمله ابو الحسین بصری و ابن شریح و گروهی از شافعیه و ابوالحسن کرخی قائل به معدوم

شدن امر هستند، فخر الدین رازی و اتباعش نیز این قول را اختیار کرده‌اند. برخی از فقه‌های امامیه مانند علامه

حلی نیز بر این عقیده‌اند. (قمی، بی تا، ص ۷۶ ب - ۷۷ الف؛ کرکی، ۱۹۷۷، م، ص ۲۹۵)

آرای اخباریان در این مسئله

^۴ اصولیان از مباحثی مانند تعدد شرط و وحدت جزاء، تداخل مسببات و ... در ذیل مسئله مفهوم شرط، بحث کرده‌اند، اما اخباریانی که وارد

این بحث شده‌اند، فقط از مفهوم داشتن یا نداشتن شرط سخن گفته‌اند و سایر مطالب پیرامونی مفهوم شرط را به شیوه اصولی مورد بحث قرار نداده‌اند.

برخی از اخباریان در این مسئله قائل به مفهوم داشتن شرط هستند و برخی دیگر شرط را فاقد مفهوم می‌دانند.

اخباریان قائل به مفهوم نداشتن شرط

از جمله اخباریانی که شرط را فاقد مفهوم می‌داند، محمد طاهر قمی است، با این استدلال که اگر شرط مفهوم می‌داشت می‌بایست به یکی از دلالات ثلاث باشد که هیچ کدام نیست (قمی، محمد طاهر، همان، ص ۸۸ الف).

فیض کاشانی در مقام بیان اصولی، مفهوم شرط را حجت نمی‌داند. (فیض کاشانی، ۱۴۰۶ ق، ۷۴۵/۱۳) اما در مباحث فقهی در برخی موارد به آن استناد کرده است. (همو، ۱۴۲۹ ق، ۱/۳۸۴ و ۲/۱۳۳؛ همو، بی تا، ۱/۵۲)

میرزا محمد اخباری نیز از قائلان به مفهوم نداشتن شرط است، وی در تبیین دیدگاه خود بیان می‌کند: تعلیق به شرط به دلایلی انجام می‌شود که یکی از آنها اراده مفهوم از شرط است، اگر تنها حکمت این باشد شکی در اعتبار آن باقی نمی‌ماند؛ ملاک در حجیت الفاظ آن چیزی است که از الفاظ، اهل آن زبان می‌فهمند که بدون شک این فهم حجت است. (اخباری، بی تا، معاول العقول، ۲۶۹ الف) وی در ادامه در مقام تحقیق بیان می‌کند: در محل نزاع برای فهم ثبوت یا عدم ثبوت مشروط، نیاز به دلیل دیگری هست و از خود شرط به تنهایی، این مطلب قابل برداشت نیست (همان، ۲۹۶ ب)؛ بنابراین می‌توان گفت وی تنها در صورت وجود قرینه، شرط را دارای مفهوم می‌داند که اختلافی در این زمینه وجود ندارد. برخی دیگر از اخباریان نیز با این استدلال، مفهوم شرط را حجت نمی‌دانند، مگر در صورت وجود قرینه. (نباطی، بی تا، ص ۲۰۰)

شیخ حر عاملی دلیل قائلان به مفهوم شرط را ضعیف و ظنی می‌داند و با توجه به نهی از عمل به ظن در آیات و روایات و علاوه بر این، وجود ادله قطعی بر مفهوم نداشتن شرط، این قول را صحیح نمی‌داند و معتقد است پذیرش مفهوم شرط مستلزم رد دلائل قطعی موجود بر مفهوم نداشتن شرط است (حرّ عاملی، ۱۴۰۳، ق، ۵(۲۷۹).

وی در مقام استدلال برای دیدگاه خود بیان می‌کند: متکلم گاهی از شرط اراده مفهوم می‌کند و گاهی اراده مفهوم نمی‌کند؛ این مطلب در کلام افراد فصیح و بلیغ به طور قطع وجود دارد، حال چطور می‌توان مدعی شد که متکلم از لفظ اراده مفهوم کرده است در حالیکه قرینه‌ای در کار نیست و در بسیاری از موارد متکلم چنین اراده‌ای ندارد (همان، ص ۲۷۹). وی برای اثبات ادعای خود به مثال‌های قرآنی بسنده می‌کند و مثال‌های موجود در روایات را چندین برابر مثال‌های قرآنی می‌داند (همان). مثال‌های قرآنی که وی ذکر کرده، عبارت‌اند از:

أ. □ وَكَلِمٌ جِئْتَهُمْ بِآيَةٍ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ □^۶. این آیه بیان کفار که شما جز بر باطل نیستید را مشروط به آوردن آیه کرده است؛ درحالی‌که اگر آیه‌ای هم نباشد باز کفار خواهند گفت □ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ □؛ بنا بر این از عدم شرط عدم مشروط لازم نمی‌آید، پس شرط مفهوم ندارد.

ب. □ قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ □^۷ در این آیه وجوب اتباع از پیامبر مشروط به دوست داشتن خداوند شده است درحالی‌که اتباع بر همه واجب است؛ بنابراین در صورت عدم شرط، مشروط همچنان باقی است و شرط مفهوم ندارد.

^۵ شیخ حر عاملی در مورد مفهوم شرط و سایر مفاهیم، در صورتی که از خود لفظ برداشت شود، قائل به حجیت است؛ زیرا مفهوم برداشت شده از خود لفظ، داخل در معنای کلام است. (عاملی، ۱۴۰۳، ق، ۴۱۹).

^۶ روم / ۵۸: چون برای ایشان آیه‌ای بیاوری، آنان که کفر ورزیده‌اند حتماً خواهند گفت: شما جز بر باطل نیستید.

ج: □ وَاكُلُوا مِنْهَا فِي الْأَرْضِ مِنْ شَجَرَةٍ أَقْلَامٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ □^۶ در این آیه نیز اگر درختان قلم نشوند و هفت دریا نیز به کمک دریا نیایند، باز هم سخنان الهی پایان نمی‌پذیرد؛ بنا براین با عدم شرط مشروط همچنان باقی است.

د. □ وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَكُنِيَ مُسْتَكْبِرًا □^۹ قبل از اینکه آیات بر او خوانده شود نیز با استکبار روگردان بود؛ لذا قبل از وجود شرط مشروط وجود داشته است (عاملی، ۱۴۰۳ ق، ۲۸۰)

ه. □ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ □^{۱۰}. آن‌ها در هر صورت می‌گویند □ إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ □، خواه به آن‌ها گفته شود □ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ □ یا گفته نشود؛ بنابراین در این آیه نیز وجود یا عدم وجود شرط تأثیری بر وجود مشروط ندارد. (همان، ۲۸۱)

و. □ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَاغْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ □^{۱۱}. خداوند عزیز و حکیم

است، خواه شرط مذکور □ فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ □ موجود باشد یا موجود نباشد.

ز. □ وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ □^{۱۲} خداوند شنوا دانا است، خواه آهنگ طلاق کنند

یا نکنند.

^۶ آل عمران ۳۱: بگو: اگر خدا را دوست دارید، از من پیروی کنید تا خدا دوستتان بدارد.

^۸ لقمان ۲۷: و اگر آن چه درخت در زمین است قلم باشد و دریا را هفت دریای دیگر به یاری آید، سخنان خدا پایان نپذیرد.

^۹ لقمان ۷: و چون آیات ما بر او خوانده شود، با نخوت روی برمی‌گرداند.

^{۱۰} بقره/ ۱۱: «و چون به آنان گفته شود: در زمین فساد مکنید، می‌گویند: ما خود اصلاح‌گریم.»

^{۱۱} بقره/ ۲۰۹: «و اگر پس از آنکه برای شما دلایل آشکار آمد، دستخوش لغزش شدید، بدانید که خداوند توانای حکیم است»

^{۱۲} بقره/ ۲۲۷: و اگر آهنگ طلاق کردند، در حقیقت خدا شنوای داناست.

ح. □ وَكَيْسَ مَا شَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ^{۱۳}. در اینجا نیز چه بدانند و چه ندانند مشروط باقی خواهد بود.

ط. □ وَأَشْكُرُوا لِلَّهِ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^{۱۴}. شکر خداوند عقلاً واجب است خواه شرط □ إِنْ كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ^{۱۴} محقق باشد یا نباشد.

ی. □ فَإِنْ أَنْتَهُوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ^{۱۵} غفران الهی در صورت عدم وجود شرط. □ فَإِنْ أَنْتَهُوْا^{۱۵} نیز باقی است.

وی غیر از این آیات بیش از صد و بیست آیه دیگر نیز ذکر می‌کند و مدعی است در آن آیات نیز، خواه شرط باقی باشد یا نباشد، مشروط باقی خواهد بود و به همین دلیل این آیات را دال بر بطلان مفهوم شرط می‌داند (همان، ۲۸۰-۲۹۱). وی برخی از این آیات را دال بر بطلان مفهوم وصف نیز می‌داند. (همان، ۲۸۸)

شیخ حر عاملی، یک مثال نقض برای اثبات ادعای منکران مفهوم شرط را کافی می‌داند در عین حال معتقد است اگر کسی در جملات شرطیه تتبع کند، چه بسا مواردی که از شرط، مفهوم اراده نشده است، بیش از مواردی باشد که از آن مفهوم اراده شده است (همان، ۲۸۰). وی در پایان بحث مفهوم شرط بیان می‌کند: «این حال مفهوم شرط است که قائلان آن اتفاق نظر دارند که قوی‌ترین مفهوم‌ها است، در حالیکه عدم اعتبار آن در بیش از صد و بیست و پنج مثال قرآنی آشکار شد، اگر مثال غیر قرآنی مد نظر می‌بود، هزاران مورد

^{۱۳}. بقره/ ۱۰۲: وه که چه بد بود آنچه به جان خریدند- اگر می‌دانستند.

^{۱۴}. بقره/ ۱۷۲: و خدا را شکر کنید اگر تنها او را می‌پرستید.

^{۱۵}. بقره/ ۱۹۲: و اگر باز ایستادند، البته خدا آمرزنده مهربان است.

می‌یافتیم» (همان، ۲۹۱). وی در ضمن مطالب فقهی نیز بر ضعف و عدم اعتبار مفهوم شرط، تصریح کرده است.^{۱۶}
همو، ۱۴۰۹ ق، ۳۳۷/۲ و ۲۵۹/۳ و ۶۶/۹.

اخباریان قائل به مفهوم داشتن شرط

برخی از اخباریان، شرط را دارای مفهوم می‌دانند و در مسائل فقهی بدون استدلال خاص اصولی به آن استناد کرده‌اند (مازندرانی، ۱۳۸۲ ق، ۱/۸۶ و ۷/۱۱۳ و ۱۰/۱۹۶ و ۱۱/۱۱۶؛ مجلسی، ۱۴۱۴ ق، ۱/۳۵۱ و ۶/۵۰۷ و ۸/۶۰؛ همو، ۱۴۱۰ ق، ۱۴۱/۷۷؛ همو، ۱۴۰۴، ۷/۱۳ و ۱۵/۳۰۰)؛ جزائری، ۱۴۰۸، ۲/۱۱۹؛ آل عصفور، بی تا، الأنوار اللوامع، ۱۲/۴۰۶ و ۱۳/۱۴۳ و ۱۳/۳۹۴ و ۱۴/۲۵۷؛ همو، ۱۴۲۱ ق، ۳۴۵)

برخی دیگر از اخباریان، مفهوم شرط را تنها در صورتی حجت می‌دانند که از مقید کردن حکم به شرط، فایده‌ای غیر از مفهوم داشتن متصور نباشد (استرآبادی، ۱۳۹۴ ق، ۲۷۱؛ مجلسی، ۱۴۱۰، ۷/۸۶)؛ اما در صورتی که علل و فوائد دیگری برای شرط موجود در یک جمله شرطیه، قابل تصور باشد، معتقدند آن شرط دارای مفهوم نیست؛ به عنوان مثال محمد استرآبادی در ذیل آیه **وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا**^{۱۶} بیان می‌کند: «شکی نیست در اینکه برای قصر خواندن نماز در سفر، ترس شرط است به دلیل مفهوم شرط، ولی جواز قصر در حالت امنیت از کلام پیامبر «صلی الله علیه و آله» فهمیده می‌شود، پس می‌گوییم، اگر چه مفهوم حجت است، ولی به شرط عدم ظهور شرط در فایده‌ای غیر از مفهوم داشتن؛ اما در این آیه احتمالات دیگری برای شرط غیر از مفهوم داشتن وجود دارد، احتمال دارد شأن نزول آیه مربوط به حالت خوف باشد، احتمال دیگر این است که ذکر قید ترس به جهت اعم اغلب باشد که در

^{۱۶} نساء/ ۱۰۱؛ و چون در زمین سفر کردید، اگر بیم داشتید که آنان که کفر ورزیده‌اند به شما آزار برسانند، گناهی بر شما نیست که نماز را کوتاه کنید.

سفرهایشان غالباً ترس وجود داشته است» بنا براین در این آیه به دلیل اینکه احتمال دیگری غیر از اراده مفهوم از شرط وجود دارد، نمی‌توان شرط بدون قرینه را دارای مفهوم دانست، ولی در مواردی که چنین احتمالی وجود ندارد شرط فاقد قرینه دارای مفهوم است.^۱ (استرآبادی، همان، ۲۷۲)

علامه مجلسی در برخی موارد با قائلان به مفهوم شرط در صورتی که از شرط فایده‌ای غیر از مفهوم داشتن متصور نباشد، همراه است (مجلسی، همان، ۷/۸۶) و در مواردی به طور مطلق مفهوم شرط را حجت دانسته (مجلسی، ۱۴۰۶ ق، ۴/۲۱۳) و آن را «اقوی المفهومات» نامیده است.^۲ (همان، ۱/۱۷۲)

شیخ حسین کرکی از دیگر اخباریانی است که مفهوم شرط را به طور مطلق حجت می‌داند و آن را از لوازم آشکار (دلالت التزامی بین) کلام برمی‌شمرد.^۳ (کرکی، ۱۹۷۷ م، ۲۹۵)

صاحب حدائق از دیگر معتقدان حجیت مطلق مفهوم شرط است و در بسیاری از مباحث فقهی به آن استناد کرده (بحرانی، ۱۴۰۵، ج ۱، ص ۳۱۰ و ج ۷، ص ۱۶ و ج ۸، ص ۲۸۴ و ج ۱۵، ص ۴۴۹ و ج ۲۲، ص ۳۲۶؛ همو، ۱۴۲۳ ق، ۲/۳۶۸)

وی پیش از استدلال برای مفهوم داشتن شرط بیان می‌کند: «در میان نصوص، دلیلی دال بر حجیت مفاهیم به غیر از حجیت مفهوم شرط نیافتیم». (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱/۵۸)

ادله اخباریان قائل به مفهوم شرط

قائلان به مفهوم داشتن شرط به ادله‌ای استناد کرده‌اند که عبارت‌اند از:

۱. روایت امام صادق (ع) در تفسیر آیه ۶۳ سوره انبیاء

در این آیه از زبان حضرت ابراهیم (ع) آمده است: □ قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَاسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ □^{۱۷} امام صادق (ع) در ذیل این آیه فرموده‌اند^{۱۸}: «به خدا سوگند، بزرگشان آن کار را انجام نداد و ابراهیم نیز دروغ نگفت. پس گفتند: چطور ممکن است؟ امام (ع) فرمودند: ابراهیم گفت بزرگشان آن کار را انجام داده است اگر صحبت می‌کند و اگر صحبت نمی‌کند پس کاری انجام نداده است». دلالت این روایت بر مفهوم داشتن شرط روشن است، با این توضیح که امام عدم شرط □ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ □ را مساوی با عدم مشروط □ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا □ دانسته است. (همان، ۱ / ۵۸)

۲. روایت ابو ایوب: از امام صادق (ع) در ضمن آیه □ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □^{۱۹} در پاسخ به سؤال ابو ایوب که در مورد زمان بازگشت از حج سؤال کرده بود، فرمودند: «در روز دوم تا زمان زوال خورشید سفر نکن و اما در روز سوم هنگامی که خورشید طلوع کرد به برکت الهی کوچ کن؛ زیرا خداوند متعال فرموده است: □ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □^{۲۰} اگر خداوند متعال آیه را ادامه نمی‌داد همه افراد باید تعجیل می‌کردند ولی خداوند فرموده است: □ وَ مَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ □^{۲۱}».

^{۱۷}. انبیاء / ۶۳: گفت: «[نه] بلکه آن را این بزرگترشان کرده است، اگر سخن می‌گویند از آن‌ها بپرسید.»
^{۱۸}. «و الله ما فعله كبرهم، و ما كذب إبراهيم فقيل له: كيف ذلك؟ فقال: «إنما قال: فعله كبرهم هذا إن نطق، و إن لم ينطق فلم يفعل كبرهم هذا شيئا» (قمی، ۱۴۰۴ق، ۲ / ۷۲؛ ابن بابویه، ۱۴۰۳ق، ۲۱۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳ق، ۲ / ۳۵۴).

^{۱۹}. بقره / ۲۰۳: پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] گناهی بر او نیست.

^{۲۰}. بقره / ۲۰۳: پس هر کس شتاب کند [و اعمال را] در دو روز [انجام دهد]، گناهی بر او نیست، و هر که تأخیر کند [و اعمال را در سه روز انجام دهد] گناهی بر او نیست.

^{۲۱}. داوود بن نعمان از ابی ایوب، قال: قلت لأبي عبد الله (ع): داود بن النعمان عن أبي أيوب قال: قلت لأبي عبد الله ع / إنا نريد أن نتعجل السير و كانت ليلة النفر حين سألته فأى ساعة نافر فقال لي أما اليوم الثاني فلا تنفر حتى تزول الشمس و كانت ليلة النفر و أما اليوم الثالث فإذا ابضت الشمس فانفر على بركة الله فإن الله جل ثناؤه يقول: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ (فلمو سكت لم يبق أحد إلا تعجل و

صاحب حدائق این روایت را در زمره روایات دال بر مفهوم شرط آورده است (بحرانی، ۱/۱۴۰۵، ۵۸)؛ با این توضیح که از بیان حضرت (ع) برداشت می‌شود که اگر آیه فقط تا «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»^{۲۱} بود و ادامه نمی‌داشت، مفهوم شرط آیه این بود که «اگر کسی در دو روز تعجیل نکند گناهی بر اوست» که با این توضیح، بیان حضرت دلیلی بر مفهوم داشتن شرط است.

۳. روایت عبید ابن زراره: روایت عبید بن زراره از امام صادق (ع): «با امام صادق (ع) در مورد آیه «فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ»^{۲۲} سخن گفتم، امام (ع) فرمودند: چه خوب تبیین نموده است، کسی که حاضر است باید روزه بگیرد، پس کسی که مسافر است، نباید روزه بگیرد»^{۲۳}. در این روایت امام (ع) عدم شرط، یعنی درک نکردن ماه رمضان را مساوی با عدم مشروط که روزه گرفتن است، دانسته‌اند و این بیانگر اعتبار مفهوم شرط نزد معصومین (ع) است.

برخی از اخباریان این روایت را دال بر حجیت مفهوم شرط می‌دانند (مجلسی، ۱۴۰۶، ۳/۳۹۴؛ کرکی، ۱۹۷۷، م، ۲۹۵؛ بحرانی، ۱/۱۴۰۵، ۵۸)؛ بر خلاف این افراد، علامه مجلسی معتقد است این روایت دلالت بر حجیت مفهوم شرط ندارد؛ زیرا مفهوم این کلام «اگر کسی حاضر بود باید روزه بگیرد»، این نیست که «اگر کسی حاضر نبود نباید روزه بگیرد»، بلکه مفهومش این است که «اگر کسی حاضر نبود واجب نیست روزه بگیرد». (مجلسی، ۱۴۰۴، ۱۶/۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۰۶، ق، ۶/۵۶۳)

لکنه قال: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ). (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۹/۱۷۴؛ طوسی، ۱۴۰۷، ق، ۵/۲۷۱؛ همو، **استبصار**، ۱۳۹۰، ق، ۲/۳۰۰؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۱۴/۲۷۵).

^{۲۲} بقره/۱۸۵: پس هر کس از شما این ماه را درک کند باید آن را روزه بدارد.

^{۲۳} عبید بن زراره قال: «قلت لأبي عبد الله (ع) قوله تعالى: (فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ)»، قال: ما أيتها من شهد فليصمه و من سافر فلا

يضمه». (کلینی، ۱۴۲۹، ق، ۷/۵۴۲؛ طوسی، ۱۴۰۷، ق، ۴/۲۱۶؛ حر عاملی، ۱۴۰۹، ق، ۱۰/۱۷۶).

ظاهراً این اشکال بر مفهوم داشتن شرط وارد نیست، زیرا مفهوم داشتن شرط به این معنا است که از عدم شرط، عدم مشروط لازم بیاید و آنچه علامه مجلسی به عنوان مفهوم آیه ذکر می‌کند، همان مفهوم مورد ادعای قائلان به مفهوم شرط است. اشکال دیگری که وی بر استدلال به این روایت برای حجیت مفهوم شرط وارد می‌کند است که بیان امام (ع) مربوط به تفسیر کل آیه بوده است نه فقط قسمت اول آن (همو، ۱۴۰۴ق، ۱۶/۳۲۷؛ مجلسی، ۱۴۱۴، ۵۱۴/۶) در توضیح کلام وی باید گفت، خداوند متعال در ادامه آیه، حکم فردی که مسافر است را ذکر کرده: ﴿فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ﴾^{۲۴} و بیان امام (ع) در مورد تفسیر تمام آیه است نه فقط قسمت اول آن؛ در این صورت کلام امام (ع) دلالتی بر مفهوم داشتن شرط ندارد، بلکه امام (ع) مفهوم مورد ادعا را از خود آیه برداشت کرده‌اند نه از شرط.

میرزا محمد اخباری نیز استدلال به این روایت برای مفهوم شرط را رد کرده و در پاسخ می‌گوید: خداوند متعال روزه را به وصف شهود که همان حضور در وطن است معلق کرده و با انتفاء وصف حکم نیز منتفی می‌گردد؛ و این از باب مفهوم شرط نیست. برای اثبات حجیت یا نفی حجیت مفهوم شرط به یک دلیل ثانوی نیاز است که حجیت مفهوم شرط را در مواردی که قرینه‌ای در کار نیست نیز ثابت کند؛ زیرا در مواردی که قرینه وجود دارد نزاعی نیست (اخباری، بی تا، معاول العقول ص ۲۶۹ الف).

۴. مناظره هشام بن حکم: شیخ صدوق در من لا یحضره الفقیه از ابن ابی عمیر مناظره‌ای بین هشام بن حکم و برخی از اهل سنت آورده که در مقام مناظره در مورد حکمین در صفین است که ابوموسی اشعری از

^{۲۴} بقره/ ۱۸۵: پس هر کس از شما این ماه را در رک کند باید آن را روزه بدارد، و کسی که بیمار یا در سفر است [باید به شماره آن] تعدادی از روزهای دیگر [را روزه بدارد]. خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد.

جانب امام علی و عمرو بن عاص از جانب معاویه، به حکمیت پرداختند، عالم سنی گفت: چون حکمین قبول حکمیت کردند خواهان آشتی بین دو گروه بودند؛ هشام در پاسخ گفت: نه آن‌ها خواهان آشتی میان دو گروه نبودند؛ عالم سنی گفت: از کجا این را می‌گویی، هشام پاسخ داد: از کلام خداوند متعال در مورد حکمین □ *إِنْ يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا^{۲۵}* حال که بین آن‌ها اتفاق بر نتیجه واحد حاصل نشده و خداوند آن‌ها را موفق نگردانیده، می‌فهمیم که آن‌ها قصد ایجاد آشتی نداشته‌اند. (ابن بابویه، ۱۴۱۳ ق، ۳ / ۵۲۲)

صاحب حدائق در استدلال به این روایت بیان می‌کند: «هشام از بزرگان اصحاب ائمه و علم کلام است و به همین دلیل خصم نتوانسته پاسخ او را رد کند» (بحرانی، ۱۴۰۵، ۱ / ۵۹). در واقع استدلال به این قضیه این‌گونه است که چون هشام از اصحاب ائمه است و به مفهوم شرط استناد کرده و خصم نیز در پاسخ نتوانسته مفهوم شرط را رد کند، پس این قضیه می‌تواند دلیلی بر مفهوم داشتن شرط باشد.

نتیجه

مسئله مفهوم شرط یکی از محورهای است که در تفاوت بین اخباریان و اصولیان به آن اشاره شده است و اخباریان، به عنوان نافیان مفهوم داشتن شرط معرفی شده‌اند. برخلاف آنچه به همه اخباریان نسبت داده شده است، اخباریان در این مسئله با هم اختلاف نظر دارند و برخی قائل به مفهوم داشتن و برخی قائل به مفهوم نداشتن شرط هستند.

استدلالی که برخی از قائلان به مفهوم نداشتن شرط به آن اشاره کرده‌اند این است که از شرط فاقد قرینه علاوه بر مفهوم داشتن، معانی دیگری نیز اراده می‌شود؛ لذا نمی‌توان به طور قطع گفت از شرط مفهوم داشتن اراده شده است. شیخ حر عاملی به بیش از صد و سی آیه قرآن برای اثبات این ادعا استدلال کرده است.

^{۲۵}. نساء / ۳۵: اگر سرِ ایجاد سازگاری دارند، خدا میان آن دو سازگاری خواهد داد.

در میان اخباریان قائل به مفهوم شرط، برخی در مسائل فقهی و بدون استدلال خاص اصولی به آن استناد کرده‌اند؛ برخی که وارد استدلال اصولی شده‌اند، مفهوم داشتن شرط را محدود به مواردی می‌دانند که از مقید کردن حکم به شرط، فایده‌ای غیر از مفهوم داشتن متصور نباشد و برخی از اخباریان مفهوم شرط را به طور مطلق حجت دانسته‌اند و برای ادعای خود به چند روایت که دال بر این ادعا است استدلال کرده‌اند.

بنابراین باید بیان کرد همانطور که اصولیان در بحث حجیت مفهوم دارای اختلاف دیدگاه‌هایی هستند اخباریان نیز در این مسئله اختلاف دیدگاه دارند و نمی‌توان به عنوان مرز بین اخباریان و اصولیان به مسئله حجیت مفهوم شرط نگاه کرد.

هریک از دیگر تفاوت‌های ادعایی بین اخباریان و اصولیان نیز درای قابلیت بررسی مفصل به عنوان یک پژوهش مستقل را دارا می‌باشند.

منابع

ابن بابویه، محمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). معانی الأخبار، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

----- (۱۴۱۳ ق). من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: غفاری، علی اکبر، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

اخباری، میرزا محمد(بی تا) ، معاول العقول فی قطع اساس الاصول، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۷۷۳۹.

آل عصفور، حسين بن محمد. (١٤٢١ ق). سداد العباد و رشاد العباد، تحقيق: محسن آل عصفور، قم: كتابفروشي محلاتي.

----- (بي تا). الأنوار اللوامع في شرح مفاتيح الشرائع، تحقيق: محسن آل عصفور، قم: مجمع البحوث العلمية.

بحراني، يوسف بن احمد. (١٤٠٥ ق) الحدائق الناضرة في أحكام العترة الطاهرة، تحقيق: محمد تقى ايروانى - سيد عبد الرزاق مكرم، قم: دفتر انتشارات اسلامي.

----- (١٤٢٣ ق). درر النجفية من الملتقطات اليوسفية، بيروت: دار المصطفى لإحياء التراث.

جزائري، سيد نعمت الله. (١٤٠٨ ق). كشف الأسرار في شرح الإستبصار، تحقيق: طيب موسى جزائري، قم: مؤسسة دار الكتاب.

----- (١٤٠١ ق). منبع الحياة و حجية قول المجتهد من الأموات، تحقيق: رؤف جمال الدين، بيروت: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات.

----- (بي تا). تحفة السنية في شرح نخبه المحسنية، نسخه خطي موجود در كتابخانه آستان قدس، شماره نسخه ٢٢٦٩.

حر عاملي، محمد بن حسن. (١٤٠٩ ق). تفصيل وسائل الشيعة الى تحصيل مسائل الشريعة، قم: مؤسسة آل البيت عليهم السلام.

----- (١٤٠٣ ق). فوائد الطوسية، محقق: سيد مهدي لاجوردى حسيني، محمد درودي، قم: چاپخانه علميه.

حسینی دشتی، مصطفی. (۱۳۷۶). معارف و معاریف، قم: دانش.

حسینی، محمد. (۱۴۱۵ ق). معجم المصطلحات الأصولیة، بیروت: موسسه العارف للمطبوعات.

----- (۲۰۰۷ م). الدلیل الفقہی تطبیقات فقہیة لمصطلحات علم الأصول، دمشق: مرکز ابن ادريس الحلی للدارسات الفقہیة.

دزفولی، محمد. (بی تا). فاروق الحق، نسخه خطی نوشته شده در حاشیه کتاب حق المبین، موجود در کتابخانه آستانه مقدسه قم، شماره ثبت ۸۷۷.

زند، فتحعلی. (بی تا). فوائد الشیرازیة، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۸۱۰۹.

سبزواری، عبدالاعلی. (بی تا). تهذیب الأصول، قم: موسسه المنار.

سماهیجی، عبد الله بن صالح. (۱۳۷۷). منیة الممارسین، چاپ شده در ضمن میراث اسلامی ایران، به کوشش رسول جعفریان، قم: کتابخانه بزرگ حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره).

صدر حاج سید جوادی، احمد. (۱۳۷۵). دائرة المعارف تشیع، سایر پدیدآورندگان: کامران فانی، بها الدین خرمشاهی، تهران: شهید محبی.

صدر، محمد باقر. (۱۴۱۸ ق). دروس فی علم الأصول، قم: موسسه النشر الاسلامی.

طبرسی، احمد بن علی. (۱۴۰۳ ق). الإحتجاج علی أهل اللجاج، تحقیق: محمد باقر خراسان، مشهد: نشر مرتضی.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۳۹۰ ق). إستبصار فیما اختلف من الأخبار، تحقیق: حسن موسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

 (۱۴۰۷ ق). تهذیب الأحكام، تحقیق: حسن الموسوی خراسان، تهران: دار الکتب الإسلامیة.

عثمان، محمود حامد. (۱۴۲۳ ق). القاموس المبین فی إصطلاحات الأصولیین، ریاض: دار الزاحم.

فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی. (۱۴۰۶ ق). الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیر المؤمنین علی علیه السلام.

 (۱۴۲۹ ق). معتصم الشیعة فی أحكام الشریعة، تحقیق: مسیح توحیدی، تهران: مدرسه عالی شهید مطهری.

 (بی تا). مفاتیح الشرائع، قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.

قمی، محمد طاهر. (بی تا). حجة الاسلام فی شرح تهذیب الاحکام، نسخه خطی، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۱۱۵۱۲.

قمی، علی بن ابراهیم. (۱۴۰۴ ق). تفسیر القمی، تحقیق: طیب موسوی جزائری، قم: دار الکتب.

قیصری، احسان. (۱۳۶۷). « اخباریان»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.

کاشف الغطاء، جعفر بن خضر. (۱۳۹۶). حق المبین فی تصویب المجتهدین و تخطئه الاخباریین، نسخه

اکترونیك سایت مرکز اطلاعات و مدارك اسلامی :

<http://islamicdoc.org/Multimedia/fbook/3505/index.htm>

کرکی، حسین ابن شهاب الدین. (۱۹۷۷ م). هداية الأبرار الى طريق الأئمة الأطهار (ع)، مصحح: رثوف جمال الدين، بی جا: بی نا.

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۲۹ ق). الکافی، قم: دار الحدیث.

ماحوزی بحرانی، سلیمان ابن عبدالله. (بی تا). مجموعه، نسخه خطی موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره ثبت ۱۹۱۶.

مازندرانی، صالح بن احمد. (۱۳۸۲ ق). الکافی الاصول و الروضه، تحقیق: ابوالحسن شعرانی، تهران: المکتبه الاسلامیه.

مجلسی، محمد باقر. (۱۴۰۶ ق). ملاذ الأخیار فی فهم تهذیب الأخبار، تحقیق: مهدی رجائی، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.

----- (۱۴۱۰ ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الأئمة الأطهار، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.

----- (۱۴۰۴ ق). مرآة العقول فی شرح أخبار آل الرسول، تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

مجلسی، محمد تقی. (۱۴۰۶ ق). روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، تحقیق: حسین موسوی کرمانی، علی پناه اشتهاردی، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور.

----- (۱۴۱۴ ق) لوامع صاحبقرانی، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

محمد بن علی بن ابراهیم، استر آبادی. (۱۳۹۴ ق). آیات الأحکام فی تفسیر کلام الملک العلام، تهران: کتابفروشی معراجی.

نائینی، محمد حسین. (۱۳۵۲). أجدود التقریرات، تقریر: ابوالقاسم خوبی، قم: مطبعه العرفان.

نباطی فتونی، ابوالحسن بن محمد طاهر. (بی تا). الفوائد الغرویه، نوشته شده در ضمن یک مجموعه، ص ۲۲۳ به بعد، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۳۸۹. (از این نسخه در موارد ناخوانا بودن نسخه اول استفاده شده است).

نباطی فتونی، ابوالحسن بن محمد طاهر. (بی تا). الفوائد الغرویه، موجود در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، شماره نسخه ۴۷۷ ط (نسخه استفاده شده در این پژوهش).

هلال، هیثم. (۱۴۲۴ ق). معجم مصطلح الأصول، بیروت: دار الجلیل.